



۷ مارچ ۲۰۱۶



داکتر عبدالرحمن زمانی

قیام سال ۱۳۲۴ صافی های کُنر

(قسمت نهم)

ناکامی خاندان حاکم و طلب کمک از انگلیس ها

داکتر تیخانف مینویسد که «... رهبران افغانستان روحیه جنگی و همبستگی قبایل پشتون را دست کم گرفته و درست ارزیابی نموده بودند. به تاریخ ۱۶ جولای ۱۹۴۵ صافی ها با به دست آوردن کمک از پشتون های نوار «آزاد» هند بریتانیایی [قبایل سرحد آزاد-ز]، دست به ضد حمله در برابر سپاهیان دولتی یازیدند. نیروهای شورشیان پیوسته به یاری رسیدن لشکرهای تازه از نوار «آزاد» رو به فزونی داشت. همراه با آن ها مومندها نیز می رزمیدند که به آنان خان دیر کمک می رسانید. نواب سوات برای کوهنشینان مبارز چند قبضه تیربار فرستاد. روحانیون مسلمان گستره قبایل پشتون برای شورشیان در راه مبارزه در برابر حکومت مرکزی دعا می کردند»¹.

وی علاوه میکند که «نیروهای تازه نفس و تاکتیک های متهورانه داود خان توانستند اوضاع را [تنها] در حومه جلال آباد با ثبات گردانند. مگر، در کابل دیگر به سرکوب سریع قیام در جنوبی و مشرقی امیدی نداشتند. برای این کار ارتش افغانستان ذخایر کافی جنگ افزار و مهمات جنگی نداشت که بخش چشمگیر آن سر از بهار ۱۹۴۴ در نبردها با قبایل شورشی از دست رفته بود.

هاشم خان در این اوضاع بحرانی پیگیرانه کوشید جنگ افزارهای مورد نیاز عاجل را از شوروی و انگلیس بخرد. در مسکو این خواهش هاشم خان را با لبخند رد کردند². با آن که جانب افغانی حتا حاضر بود جنگ افزارهای به غنیمت گرفته شده آلمانی را هم بخرد. رهبری شوروی تمایل نداشت در سرکوب قیام توده بی شرکت ورزد.

بریتانیای کبیر، برعکس، در حفظ آرامش در مرزهای هند و افغانستان ذینفع بود. از این رو، به تاریخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۴۵ نخستین پارتی بزرگ جنگ افزارهای ساخت انگلیس رسید: ده هزار میل تفنگ، پنج هزار میل مسلسل، نهصد هزار عدد گلوله، بیست و پنج دستگاه توپ، پانزده هزار مرمی.³

1. تیخانف، نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ بر سر افغانستان، و قبایل پشتون)، ترجمه عزیز آریانفر www.arianfar.com

2. طوریکه قبلاً دیده شد، یکهزار میل تفنگ روسی برای مسلح ساختن لشکر های قومی شینوار و خوگیانی که برای حمایت از قوای نظامی فرستاده شده بودند، ارسال شد. اینکه هزار میل تفنگ مذکور قبلاً در سلاح کوت های افغانستان موجود بود، با به اثر تقاضای سردار هاشم خان در دوران جنگ صافی ها فرستاده شد، به تحقیقات بیشتر نیاز دارد.

3. گزارش اجنتوری از کابل، تاریخی 1945/9/13 // بایگانی سرویس استخبارات خارجی، پرونده «قبایل»، جلد یکم، برگ 407.

د پانو شمیره: له 1 تر7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

به یاری این جنگ افزارها داود خان امکان یافت بار دیگر اقدامات رزمی پویایی را در برابر صافی ها آغاز نماید. با این هم، حتا با در دست داشتن جنگ افزارهای مدرن و نیروی هوایی، سپاهیان دولتی طی دو ماه نتوانستند شورشیان را شکست بدهند. پشتون های مشرقی مقاومت جانانه یی در برابر نیروهای سرکوبگر انجام دادند. کنون، آن ها دیگر به وعده های حکومت افغانستان باور نداشتند و تا آخرین گلوله می رزمیدند. در ماه اکتبر ۱۹۴۵ صافی ها حتا پیشنهاد شخص ظاهرشاه را با پیام پایان بخشیدند به جنگ رد کردند»⁴.

SECRET.

British Legation, Kabul.
Dated 8th Sept., 1945.

Weekly Intelligence Summary No. 36
For the week ending 7th Sept., 1945.

(b) The Afghan Govt. and the public have been very perturbed about their military position in the Kunar valley during the week, and particularly by the Mohmand attack on military posts East of the Kunar river. Offensive operations against the Safis have had to be held up until such time as the Mohmand tribesmen can be defeated or dispersed. Earlier in the week Afghan officials did not expect that the besieged garrison at Kunar Khas would be able to hold out, but on 7th September the Afghan Govt. stated that the position was easier as Mohmand tribesmen from the East side of the Durand line were beginning to trickle back to their homes. The pressure brought on the Balzai Mohmands by the British Political authorities to induce them to return to their homes has been much appreciated by the Afghan Govt., and they hope that this pressure will be maintained until well after the "Id" holidays and thus prevent any possibility of the tribesmen returning to the attack after "Id". The arrival in Kabul of consignments of arms and equipment purchased from India has had a good effect on Afghan civil and military officials, and given them more confidence in their ability to deal with the Kunar disturbances. The arms etc. will prove of value immediately, as they will undoubtedly be required to arm the three reserve infantry brigades which have been formed in Kabul.

Afghan Govt. officials are confident that providing their troops suffer no further reverse in the Kunar valley the Shinwaris, Khugianis and Nuristanis of the Eastern Province will remain loyal and peaceful. Small contingents of armed levies from all these three tribes are at present assisting the Govt. in their operations against the Safis and Mohmands, and in safeguarding road communications in the Eastern Province.

در گزارش های محرمانه هفته وار اطلاعاتی سفارت انگلیس نه تنها از کمک انگلیس ها و مؤثریت آن ذکر شده است، بلکه از قدردانی حکومت افغانستان در رابطه با فشار انگلیس ها بر اقوام سرحد آزاد نیز یاد آوری شده است :

«حکومت و مردم افغانستان در رابطه با وضعیت این هفته اردوی افغانستان در کُنر، بخصوص حمله مهمندها بر پوسته های نظامی شرق دریای کُنر [کُنر خاص و سرکانی] بسیار گیج و ناراحت اند. عملیات تعرضی علیه صافی

4. تیخانف، نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ بر سر افغانستان، و قبایل پشتون)، ترجمه عزیز آریانفر

www.arianfar.com

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

هابایدتا هنگام شکست یا پراکنده شدن قبایل مهمند متوقف میشد. در اوایل این هفته مقامات افغان انتظار نداشتند که نیرو های محاصره شده مستقر در کُنر خاص مقاومت کرده بتوانند. اما حکومت افغانستان به تاریخ ۷ سپتمبر گفتند که وضعیت به علت بازگشت آهسته آهسته قبایل سمت شرقی خط دیورند به خانه هایشان بهبود یافته است. فشاری که توسط مامورین سیاسی انگلیس بر مهمند های "بیزی" وارد شده، و آنها را وادار ساخته اند تا به خانه هایشان برگردند، توسط حکومت افغانستان تقدیر شده است، و آنها امیدوار هستند که این فشار تا ختم روز های عیدو همچنان بعد از آن ادامه یابد، تا از احتمال بازگشت قبایل و حملات بعد از عید جلوگیری شود. رسیدن محموله های اسلحه و تجهیزات خریداری شده از هند [بریتانوی] به کابل، بر مامورین ملکی و نظامی تاثیر خوب داشته، و به آنها برای مقابله با ناآرامی های کُنر اعتماد به نفس بیشتری داده است. ارزش اسلحه و غیره بلافاصله ثابت خواهد شد، چون بدون شک برای مسلح ساختن سه لوای احتیاط پیاده که جدیداً در کابل ساخته شده اند، مورد نیاز بوده و مورد استفاده قرار خواهد گرفت. مامورین حکومت افغانستان اطمینان دارند که اگر قوای شان در دره کُنر عقب نشینی بیشتر نکنند، شینواری ها، خوگیانی ها و نورستانی های ولایت مشرقی به حکومت وفادار مانده و دست به جنگ نخواهند زد»⁵.

As is usual when the Govt. are embarrassed by unrest in one of the Provinces, discontented junior officials, traders and other people hostile to the Yahya Khel regime have been expressing a desire for a change of Govt. though none of them appear to have any constructive suggestion as to how this is to be effected or what form of Govt. is to replace the existing one.

همین گزارش علاوه میکند که «طوریکه معمول است، وقتی حکومت به اثر ناآرامی در یک ولایت شرمسار میشود، افسران جوان ناراض، تجار و مردم دیگر مخالف رژیم یحیی خیل، طالب تغیر حکومت میشوند، در حالیکه به نظر نمیرسد هیچکدام شان در رابطه با چگونگی مؤثریت یا نوع حکومتی که جایگزین حکومت فعلی شود، نظر مشخصی داشته باشند»⁶.

Para 4 (a) Contd.

Page 3.

The Afghan Govt. have made requests for the assistance of the Govt. of India in inducing tribesmen residing East of the Durand line to return to their homes, for the supply of bombs and W/T. equipment etc. to help them in their military operations in the Kunar valley. Some of these requests are being met, and on 7th September there were signs that the Afghan Govt. are recovering from their fit of nerves, and are more hopeful of being able to control the situation created by the Mohmands and Bajauris.

5. گزارش هفبه وار استخباراتی شماره ۳۶، مؤرخ ۸ سپتمبر ۱۹۴۵ سفارت انگلیس در کابل

6. همانجا

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

در صفحه سوم، قسمت چهارم (الف) همین گزارش آمده است که «حکومت افغانستان از حکومت هند [بریتانوی] تقاضای کمک نموده است تا اقوام باشنده سمت شرق خط دیورند را به برگشتن به خانه های شان وادار سازند؛ بمب و W/T و تجهیزاتی را که در عملیات نظامی دره گُور به آنها کمک کند، برایشان بفرستند. به قسمتی ازین تقاضا هارسیدگی شده، و به تاریخ هفتم سپتمبر علایمی به مشاهده رسیده است که حکومت افغانستان [رژیم آل یحیی-ز] از شوک های عصبی رو به شفایابی رفته و برای کنترل اوضاع ایجاد شده توسط مهمند ها و باجوری ها امیدواری بیشتر پیدا کرده اند»⁷.

قیام صافی ها بهانه برای تصفیه حساب با خانواده غازی میرزمان خان کُری

قیام صافی های کُور بهانه خوبی بود برای خاندان حاکم تا حساب خود را با کسان دیگری نیز تصفیه کند. دستگیری بیش از یکصد نفر بازماندگان غازی میرزمان خان کُری هم درین جمله شامل بود. تمام اعضای این خانواده «زمانی»، به شمول زنان، اطفال و مردان، در اولین مرحله نآرامی های کُور، بدون هیچ نوع ارتباطی با آن، به زندان فرستاده شدند.

مردان این خانواده بدون محاکمه، تنها با نوشتن حکمی توسط قوماندان قوای مرکز بر یک پارچه از روزنامه که «مدیریت محبس دهمزنگ تا حکم ثانی مراقبت جدی نماید»، برای مدت سیزده سال در زندان جهنمی دهمزنگ بسر بردند، بیش از بیست و هفت تن از اعضایش را به اثر شرایط ناگوار حفظ الصحه، امراض ساری و فقدان تغذی از دست دادند، اطفال شان از نعمت درس و تعلیم محروم گشتند و بلاخره برای مدت هشت سال دور از مسکن آبائی شان در شرق افغانستان (کُور)، به دورترین نقطه در غرب کشور (ولایت هرات) تبعید شد. خوانندگان میتوانند برای معلومات بیشتر درین باره به کتاب «زندانی خاطرات» اثر شادروان محمد هاشم زمانی مراجعه کنند. این کتاب بار اول در سال ۲۰۰۰ میلادی و بار دوم در سال ۲۰۰۶ میلادی به چاپ رسیده است.

اختلافات و دشمنی سردار محمد هاشم خان با مردم کُور و رهبر قومی آنها غازی میرزمان خان سابقه طولانی داشته و به دوره امانی برمیگردد. رشادتی که آزادیخواهان کُور در جبهه چهارم جنگ استقلال (جبهه چترال و کُور) از خود نشان دادند، در پهلوی اهمیت ستراتیژیک کُور و طرفداری جدی کُری ها از نهضت امانی و شاه امان الله خان غازی دشمنی بیشتر انگلیس ها را برانگیخت. دیگر کُور و کُور یان برای انگلیس هاخار چشم تلقی شده، قابل تحمل نبوده و در مرکز توجه توطئه های انگلیس و عمال داخلی آن قرار گرفت.

آنها گاهی تلاش نمودند بین اقوام و سران قومی اختلاف ایجاد کنند، توطئه های کشتن غازی میرزمان خان و فرزندانش را طرح نمودند، کوشیدند در بدل همکاری به انگلیس ها برایش در نزدیکی های پشاور امتیازات مادی و زمین پیشکش نمایند، تلاش نمودند با نصب کردن واحد شینواری یا مستر وید آسترالیایی بحیث خان کُور، او را از منطقه کُور بیرون و به لوگر انتقال دهند، حتی باری بین وی و غازی امان الله خان سئو تفاهم و رنجش خلق کردند، به ترور شخصیتش دست زدند و چه کارهایی که نکردند.

یکی از کسانی که سخت تلاش داشت علیه غازی میرزمان خان توطئه بچیند، سردار محمد هاشم خان، برادر سپه سالار محمد نادر خان بود که در اوایل سلطنت غازی امان الله خان بحیث نائب الحکومه ننگرهار کار میکرد.

7. همانجا

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

خوانندگان محترم میتوانند درین رابطه به روایات و یادداشت های بسیار جالب و مستندی از مرحوم پاچا صاحب سید محمد سرور خان گُری، پدر محترم داکتر صاحب سید خلیل الله هاشمیان، حاکم کلان وقت گُرها مراجعه کنند که در شماره ۱۱۵ (ماه آگست ۲۰۰۹) مجله انینه افغانستان به نشر رسیده است و با توطئه های انگلیس برای سقوط دولت امانی ارتباط می گیرد.

عبدالواحد شینواری یا مستر وید آسترالیائی یکی از مهره های مهم توطئه های انگلیس بود. او از جمله افغان های سرحدی ایست که در اواسط ۱۸۸۰ با پسر کاکایش غنی خان توسط فیض محمد و تاج محمد با شتر هایش به آسترالیا برده شده در دشت های پهناور آن سرزمین به کار گماشته شد. وی انگلیسی را خوب یاد گرفت و با یک خانم آسترالیائی ایکه قبلا یک شوهر افغان داشت ازدواج نموده و به اسم مستر وید آسترالیائی شهرت یافت .

به استناد اسناد محرمانه استخبارات انگلیس ، عبدالواحد بار اول بعد از استرداد استقلال افغانستان خود را به نام **یکنفر سید با احساس افغان** که میخوهد تجربه و سرمایه اش را به خدمت افغان ها وقف نماید، معرفی و پیشنهاد نمود که امتیاز استخراج معدن طلای قندهار و تجارت چوب گُر به او داده شود و برای این مقصد ده هزار پوند طلا را به قسم حق الامتیاز پیشنهاد نمود: «به یک نفر سیدی به نام میر عبدالواحد در رابطه با معدن طلای قندهار و عدۀ ملاقات داده شد»^۸. اگرچه پیشنهاد وی جالب بود، بزودی آشکار گشت که پشت پرده دست انگلیس کار میکرد، و شرکای اصلی او مؤسسات انگلیسی بوده او فقط نماینده آنها به شمار میرفت و هدف اصلی نیز پیدا کردن راه نفوذ به مناطق حساس افغانستان بوده است . شاید تصادفی نباشد که در راپور بعدی همان اداره، سه هفته بعد به تاریخ ۲۳ مارچ ۱۹۲۱ از دسیسه ضد حکومتی در قندهار و زندانی شدن یکنن از مولویان سرشناس قندهار اطلاع داده شد.

مستر وید بار دیگر مقارن فتنه ملای لنگ و اغتشاش خوست به نام سید نه بلکه شینواری به افغانستان می آید: «عبدالواحد خان شینواری و یک نفر آسترالیائی درین اواخر از قندهار وارد کوئته شدند. آنها برای دیدن معدن طلا به قندهار رفته بودند»^۹.

طوری که از صفحه ۴۵۲ کتاب انگلیسی خانم ستیوارت که به نام "آتش در افغانستان" به ملاحظه میرسد، مستر وید مذکور در سال ۱۹۲۵ به آتشی نظامی سفارت انگلیس در کابل نوشته بود که هنوز هم یگانه آرزوی او خدمت به منافع دولت بریتانیا بوده و یقین دارد که درین راه سردار نادر خان، که سال گذشته در پاریس با او ملاقات نموده است ، با وی کمک و همکاری خواهد نمود.

شکست اغتشاش جنوبی و نقش غازی میرزمان خان در پایان دادن به جنگ از طریق جرگه قومی هم عامل دیگر کینه ورزی آل یحیی بمقابل غازی میرزمان خان بود. اغتشاش جنوبی بیش از یکسال دوام نمود و شدت جنگ آن از مراحل مختلفی گذشت، تا بالاخره برای خاتمه دادن آن به راه حل غیر نظامی و جرگه قومی مراجعه شد. اما جرگه رهبران قومی خدران (خدران) با فرقه مشر شیر احمدخان به نتیجه نرسید و بازگشت لشکر از خوست، جنگ خدران از سر گرفته شد. در دوران جنگ ملکان خدران بشرطی حاضر به مذاکره شدند، که غازی میرزمان خان گُری که

۸ . یادداشت محرمانه شماره (۴۳) اداره استخبارات بلوچستان (هفته دوم مارچ ۱۹۲۱)

۹ . یادداشت محرمانه شماره (۱۸۶) اداره استخبارات بلوچستان (هفته ۱۶ اپریل ۱۹۲۴)

خود یک رهبر قومی بود، درین جرگه شرکت کند. این پیشنهاد پذیرفته شد و در جرگه قومی قناعت رهبران قومی حاصل شده، با تسلیم کردن اسلحه به غنیمت گرفته شده دولتی حاضر شدند به ضمانت میرزمان خان کُتر ی به کابل آمده با شاه آشتی کنند.

همفریز، وزیرمختار انگلیس در کابل به تاریخ ۲۲ دسمبر ۱۹۲۴ درین باره به وزارت خارجه خود گزارش داد که میرزمان خان کُتر ی دیروز با ۱۵۰ نفر از ملک های خُدران به کابل رسید. خُدران ها مذاکره و پیمان با مأمورین فارسی زبان را رد کرده و گفته اند که با حکومت افغانستان تنها از طریق میانجیگری یکی از پشتون ها حاضر به مذاکره میشوند. میرزمان خان خودش مسولیت تضمین و امنیت آنها را به عهده گرفته است.

بعد از ختم اغتشاش خوست که مدت یکسال را در بر گرفت، کُتر و غازی میرزمان خان مرکز توجه دوباره انگلیس ها قرار گرفت و سعی شد تا با نصب کردن همان عبدالواحد شینواری و بهانه استفاده از چوب های جنگلات کُتر، صادرات آن به هند بریتانوی و استخراج سنگ های قیمتی، کُتر به یک پایگاه فعالیت های انگلیس تبدیل شود. در یادداشت آتشفشان نظامی نمایندگی بریتانیا در کابل برای هفته که به تاریخ ۲۱ می ۱۹۲۶ ختم میشود، در ضمیمه گزارش شماره ۳۹ مؤرخ ۲۶ می ۱۹۲۶ وزیرمختار بریتانیا در کابل در رابطه با ایجاد نا آرامی در کُتر و تلاش های نصب کردن عبدالواحد چنین می خوانیم که :

«فکر میشد که امیر عبدالواحدرا به عوض میرزمان خان تعیین کند، اما تاریخچه عبدالواحد نشان دهنده آن نیست که وی ، حتی اگر توسط روحانیون حمایت شود، برای مردم کُتر قابل قبول باشد. عبدالواحد اگرچه توسط مأمورین از یک قسمت زیادی از سرمایه اش محروم گشته است، تا هنوز به اندازه کافی پول دارد که چوب های کُتر را به نفعش به کار اندازد. اداره کُتر یک سؤال بسیار حساس است و یک خطای سیاست میتواند به یک انقلاب توسط صافی های کُتر بیانجامد که ممکن است مهمند های محلی نیز به آنها بپیوندند.»

طرح سپه سالار محمد نادر خان برای بخشش یک قسمت بزرگ از خاک کُتر به انگلیس ها

سپه سالار محمد نادر خان به تاریخ ۱۰ ماه جنوری ۱۹۲۶ در ملاقات با "رابرت هوجسن"، سفیر انگستان در مسکو (که مصروف دیدار از فرانسه بود) خواست به او فرصت داده شود تا نظریات خود را با «کسی که از اعتماد دفتر هند بریتانوی برخوردار باشد» طرح کند. نظریات او راجع به پیوستگی بیشتر به بریتانیا و مخالفت با روسیه بود. او گفت که وی و برادرش محمد هاشم خان، سفیر در مسکو، درین رابطه هم نظر بوده و فکر میکنند که بزودی از آنها خواهند خواست به کابل برگردند. او علاوه کرد «من فکر میکنم موجودیت ما در کابل ضروریست. من در نظر دارم از تمام امکانات برای تفاهم با بریتانیای کبیر استفاده کنم، من تنها ضمانت آزادی کشورم را درین مبینم.» سپه سالار محمد نادر خان گفت که «ترتیب دوستانه مسئله حدود سرحدات، برای سرحد طبیعی، قدرتمندانه کمک خواهد کرد بسیاری از علل اختلافات را از بین برد.» او درین رابطه پیشنهاد کرد دریای کُتر بحیث سرحد طبیعی افغانستان و هند بریتانوی شناخته شود و قسمت بزرگی از خاک کُتر تحت قلمرو

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

انگلیس ها قرار گیرد. او گفت که «میخواهد سرحد شرقی افغانستان با هند بریتانوی دریای کُتر باشد»¹⁰.

انگلیس ها در آن زمان تبصره کردند که اگر این گفته سیه سالار محمد نادرخان جدی باشد، پیشکش یک قسمت بزرگی از خاک افغانستان شاید کوششی باشد برای کسب حمایت بریتانیا در رابطه با یک کودتای پیش بینی شده.¹¹

عقب نشینی حکومت هاشم خان و قبول خواسته های صافی ها

یوری تیخانف مینویسد که «رویدادهای توفنده سال های 1944-1945 پیامدهای چشمگیری برای سرنوشت آینده افغانستان داشتند. مقاومت سرسختانه پشتون های جنوبی و مشرقی در برابر مشی تاراچگرانه هاشم خان، ظاهرشاه را وادار گردانید سنگین ترین مالیات ها را لغو نموده و خودسری های شرکت های بزرگ تجاری را [که همه به گونه یی مربوط خاندان شاهی بودند-آریانفر] محدود گرداند، چیزی که با منافع همه باشندگان افغانستان همخوانی داشت»¹².

تیخانف می افزاید که «زمستان فرا می رسید و پیشبرد اقدامات رزمی در کوهستان ها دشوار می گردید. هم برای شورشیان و هم برای سپاهیان دولتی. در اواخر اکتبر ۱۹۴۵ داود خان توانست بر صافی ها یک رشته شکست های جدی وارد بیاورد، مگر نتوانست مقاومت آنان را در هم بشکند. در این اوضاع، حکومت افغانستان ناگزیر گردید همه خواست های پشتون های مشرقی را برآورده سازد. حکومت هاشم خان دست به یک عقب نشینی هایی در برابر قبایل مرزی زد و خرید اجباری خوار بار از سوی دولت از روستاییان را لغو نمود و به همه شورشیان عفو عمومی اعلام گردید».

«داود خان با درک بیهودگی پیگرد چندین ده هزار کوهنشین مسلح تصمیم گرفت در صفوف شورشیان درز بیفگند و با نیرنگ و حيله سران آن ها را اسیر بگیرد. برای این مقصد او با سلطان محمد خان وارد مذاکره شد و به او وعده بخشایش کامل را برای همه شورشیان سپرد. با توجه به آن که شورش دیگر سرکوب گردیده بود، رهبر صافی ها تعهد سپرد رزمندگان خویش را رام نماید تا سلاح های خویش را بر زمین بگذارند.

رویدادهای آتیه نشان دادند که رهبری افغانستان که با تجربه تلخ آبدیده شده بود، به گونه جدی این تعهدات را رعایت نمود و با این کار ثبات دیر رس در جنوبی و مشرقی را تامین نمود. شورش سال های 1944-1945 آزمون بس جدی یی برای افغانستان گردید»¹³. (ادامه دارد)

10 . اسناد محرمانه آرشیف لندن، خلاصه راپور های مربوط به افغانستان از فبروری ۱۹۱۹ تا سپتمبر ۱۹۲۷، تهیه شده توسط ریچارد رای میکوناجی. L/P&S/20/B285؛ همچنان Stewart, Rhea Talley (2000). Fire in Afghanistan, 1914-1929; faith, hope, and the British Empire. Garden City, N.Y., Doubleday. (آتش در افغانستان)، ص ۳۰۵.

11 . همانجا.

12 . تیخانف، نبرد افغانی استالین (سیاست قدرت های بزرگ بر سر افغانستان، و قبایل پشتون)، ترجمه عزیز آریانفر
www.arianfar.com

13 . همانجا